

بهترین عنوان برای قصیده‌ای از رودکی از منظر گفتمان‌شناسی

چکیده

در حالی که معنی‌شناسی بدون در نظر گرفتن بافت محیطی جملات را تفسیر می‌کند، کاربردشناسی در ارتباط تنگاتنگ با تحلیل گفتمان بوده و پاره گفتارها را در بافت محیطی و اجتماعی در نظر می‌گیرد و سپس آنها را تفسیر می‌کند. برای یکی از قصیده‌های رودکی در کتاب‌های مختلف عناوین متفاوتی چون "حسرت جوانی"، "پیری"، "کنون زمانه دگر گشت" و "دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود" در نظر گرفته شده است که مقاله حاضر سعی دارد از این میان با توجه به اصول گفتمان‌شناسی -گوینده؛ مخاطب؛ موضوع؛ پیام؛ پیش فرض‌ها؛ کنش گفتاری و مصداق‌های اثر- مناسب‌ترین عنوان را برای این قصیده برگزیند. تجزیه و تحلیل این قصیده با استفاده از روش جزء به کل صورت می‌گیرد. به این منظور، مطالب و موضوعات هر بیت مانند گوینده‌ی پیام، مخاطب، مصداق‌ها، معانی، بیان، موضوع هر بیت، پیش فرض‌ها، کنش گفتاری، عبارات اشاره‌ای و مانند این‌ها برای استنباط و استنتاج صحیح تراز متن استخراج و در جدول آورده می‌شوند. سپس ارتباط ابیات از منظر پیوستگی و همبستگی متن بررسی و بهترین عنوان مشخص می‌گردد. **کلیدواژه‌ها:** پیوستگی متن، همبستگی متن، گفتمان‌شناسی، قصیده، رودکی.

۱. مقدمه

"واژه گفتمان^۱ از دهه ۱۹۶۰ در علوم انسانی کاربرد وسیعی یافت. تا پایان قرن نوزدهم این واژه به معنای رایجی بحث نظام‌مند در مورد مسئله‌ای خاص به کار می‌رفت و تقریباً منحصر به نوشتار بود و تا حدود کمی به شیوه بیان مرتبط می‌شد. اما در زبان‌شناسی جدید از زمان فردینان دو سوسور، گفتمان به معنای کاربرد فردی زبان یا فعلیت یافتن زبان به کار رفت؛ به

1 discourse

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۰۳

1. mmobaraki@birjand.ac.ir

پست الکترونیکی:

عبارتی دیگر، گفته‌های شخص به قلمرو پارول^۱ او مرتبط می‌شد که زیر سیطره لانگ^۲ قرار داشت " (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۲۲).

با پیشرفت علم زبان‌شناسی و به وجود آمدن زبان‌شناسی و روان‌شناسی شناختی، دیدگاه متفاوتی در مورد تجزیه و تحلیل گفتمان ارائه شد که کلیه جنبه‌های زبان باید در بافت اجتماعی در نظر گرفته شوند و زبان از زندگی اجتماعی افراد جدا نگردد. (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۰)

جدیدترین مفهوم گفتمان در زبان‌شناسی، به کارگیری زبان به منظور یک هدف و یا یک کاربرد خاص است که توسط بعضی چنان کاربرد زبان بالاتر از سطح جمله تعریف شده است. حال با توجه به این مفهوم جدید از گفتمان، تجزیه و تحلیل یک گفتمان، ضرورتاً باید تجزیه و تحلیل کاربردشناختی باشد و بدین منظور نمی‌توان آن‌را تنها به توصیف صورت‌های زبانی خاصی محدود کرد، بلکه هنگام تجزیه و تحلیل هر قسمت از یک گفتمان، مقاصد و کاربردهای آن صورت‌های زبانی نیز می‌بایستی در نظر گرفته شوند (براون و یول، ۱۹۸۹: ۱) و در اینجاست که بحث پیوستگی و همبستگی متن مطرح می‌گردد، بحثی به مطالعه عملکرد برون‌زبانی و درون‌زبانی متن، بافت اجتماعی متن و معنای آن می‌پردازد.

۲. هدف و مسأله

از آنجایی که سخنوران و نویسندگان موضوعات و پیش‌فرض‌های^۳ خاصی در ذهن دارند و بر اساس همان پیش‌فرض‌ها پیام‌هایشان به مصادیق یا مفاهیم خاصی ارجاع می‌یابد، برای استنباط و استنتاج درست، باید از تجارب و انتظارات محیطی و زبانی و پیش‌فرض‌های مشترک گوینده یا نویسنده بهره جست تا بتوان علاوه بر درک پیام آنها مسائل و اطلاعات نهفته را نیز از متن بیرون کشید و ابهامات زبانی را شفافیت بیشتری داد. مقاله حاضر سعی دارد با تکیه بر اصول تجزیه و تحلیل گفتمان هایمز (۱۹۶۴)، اصول ارتباط گرایس (۱۹۷۵)، اصل پیش‌فرض‌ها و معنای ضمنی گرایس (۱۹۸۱) و اصول پیوستگی و همبستگی متن به این سوال پاسخ دهد که کدام یک از عناوین

1 parole

2 langue

3 presupposition

"قصیده دندانیه"، "پیری"، "کنون زمانه دگر گشت" و یا "دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود" برای شعری معروف از رودکی مناسب تر می باشد.

۳. روش تحقیق

تجزیه و تحلیل این شعر با استفاده از روش جزء به کل^۱ صورت می گیرد. این نوع تجزیه و تحلیل از سطح متن آغاز شده و بافت های برون متنی را بازسازی می کند. با توجه به در اختیار نبودن بافت فیزیکی و حاضر نبودن مفسر در محیطی که متن تولید شده است، باید از بافت های درون متنی با استفاده از ابزارهای مهمی نظیر پیش فرض ها (که مفاهیمی در قالب جمله هستند و نیازی به اثبات ندارند و صحیح بودن آنها قبلاً به اثبات رسیده است) استفاده بهینه کرد تا حقایق ناگفته از متن استخراج شود. در این شعر، جملات ابتدا به صورت مجزا و سپس به صورت یکپارچه و موضوعی بر اساس اصل پیوستگی و همبستگی با استفاده از جداول مقایسه و تجزیه و تحلیل می گردند. لازم به ذکر است که منظور از پیوستگی متن، انسجام درونی متن یا روابط بین جمله ای است که توسط پیوندهای انسجामी بین جملات، کلمات یا عبارات، به وجود می آید. این انسجام نه تنها با کلمات ربطی افزاینده، معکوس، نتیجه گیری و زمانی پدید می آید، بلکه ارتباطات معنایی یا واژگانی موجود در بین واژگان، نوع ارجاع، جانمایی و تکرار کلمات نیز در خلق این نوع پیوستگی دخیل اند.

۴. تجزیه و تحلیل گفتمان

یک پاره گفتار در محیط، زمان و مکانی متفاوت و یا توسط گوینده و شنونده ای متفاوت معنای متفاوتی می یابد که وظیفه تحلیل گر گفتمان پی بردن به آن با توجه به عوامل تاثیرگذار و بر اساس کاربردشناسی^۲ زبان است. یک پاره گفتار ممکن است در بافت **X** دارای معنای **A** و در بافت **Y** دارای معنای **B** باشد، یعنی برحسب بافت های متفاوت، معناهای متفاوتی بیابد، که یک تحلیل گر جهت مشخص کردن ناگفته های زبانی می بایستی تا حد امکان بافت های تاثیرگذار فیزیکی را جهت تحلیل بهتر بازسازی کند.

1 bottom-up approach

2 pragmatics

در نظریه قوم‌نگاری هایمز (۱۹۶۴)، چگونگی تأثیر روابط اجتماعی حاکم بر افراد در انتخاب ساخت و گونه زبانی، که از مسائل اساسی در رویکردهای تحلیل گفتمان به شمار می‌رود، در کانون بررسی قرار دارد. او در الگوی زبانی خود به هشت ویژگی اشاره دارد که عبارت‌اند از: موقعیت، شرکت‌کنندگان در گفتمان، هنجارهای تعاملی (شامل نوبت‌گیری برای سخن گفتن، تعاملات زبانی و هنجارهای تعبیر و تفسیر کلام)، پایانه‌ها و اهداف، صورت و محتوا، انواع متون نوشتاری، ابزارها که شامل مجراها و گونه‌ها می‌شود از جمله سبک‌ها و سیاق‌های گفتاری و نوشتاری، و کلید. منظور از کلید، رمزها و اشاراتی است که شرکت‌کنندگان در گفتمان به همدیگر منتقل می‌کنند تا بر اساس آنها، آنچه را روی می‌دهد تعبیر و تفسیر کنند. پس کلید، روش و روح حاکم بر گفتمان است همچون گفتمان جدی، شوخی، دقیق، آهنگ کلام یا لحن و لهجه که هر کدام یک کلید محسوب می‌شوند.

نظریه تضمین گرایس (۱۹۷۵) بیان می‌کند که ارتباطات باید از اصول خاصی پیروی کنند: اصل کیفیت: چیزی را بگویید که باور دارید درست است، اصل کمیت: به اندازه بگویید، نه بیشتر، نه کمتر، اصل ربط: فقط چیزی را که به موضوع مربوط است بگویید و اصل شیوه گفتار: کوتاه و بدون ابهام بگویید. در این نظریه فرض بر این است که گویشوران همواره می‌خواهند به شیوه‌ای صحبت کنند که گفته‌هایشان از سوء تعبیر به دور باشد. گرایس در خصوص اثرات ناشی از نقض این اصول بر ارتباطات مفصل بحث کرده است. وی تصدیق می‌کند که گویش‌وران علی‌رغم خواستشان در بسیاری از موارد این هنجار را نادیده می‌گیرند؛ این چنین است که برداشت شنوندگان از یک گفته با منظور گوینده آن متفاوت خواهد شد. بنابراین، در این موارد اگر چه مغز انسان سعی دارد با گفته‌ای ارتباط برقرار کند (حتی وقتی آن گفته کاملاً بی ربط به نظر برسد)، اما در نهایت استنباط شنونده با منظور گوینده یکسان نمی‌شود. در مواردی نیز ممکن است شنونده فراتر از مقصود گوینده استنباط کند.

بر طبق نظر گرایس (۱۹۸۱)، پیش فرضهای گوینده یا نویسنده نسبت به نحوه درک و برداشت شنونده یا خواننده باعث اتخاذ شیوه خاصی از گفتمان می‌شود که بدون وجود آن پیش‌فرض‌ها درک گفتمان گوینده یا نویسنده برای مخاطبین ناممکن خواهد بود.

در جدول ۱، مخاطب پیام، موضوع پیام، پیش فرض های ذهنی گوینده و استنباط پیامی در هر بیت، از منظر گفتمان شناسی و زبان در کاربرد بررسی می شوند، به عنوان مثال در بیت «مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود...» مخاطب پیام نامشخص است و نمی توان به راحتی حدس زد چه کسی مخاطب اصلی پیام گوینده است؛ اما هر چه گفتار بیشتری از گوینده بررسی می گردد، به دلیل افزایش تعداد بافت های موقعیتی و ارجاعات بیشتر می توان پی برد که مخاطب او کیست؛ به عنوان مثال مخاطب گوینده در بیت چهارم «نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز - چه بود؟ مَنّت بگویم: قضای یزدان بود»، ضمیر متصل «ت» بوده و در بیت نهم «همی چه دانی؟ ای ماهروی مشکین موی ...» مخاطب گوینده مشخص تر گشته و به ماهروی مشکین موی که به نظر، معشوق گوینده است ارجاع می یابد.

مصادق های موجود در بیت ها به موضوع گفتمان مرتبط بوده و به همین دلیل نگارنده، آن ها را از متن گفتمان استخراج کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است؛ به عنوان مثال مصادق های «دندان» و «چراغ» در بیت اول می توانند نشانگر موضوعیت دندان باشند.

از آنجایی که کنش های گفتاری متفاوت نظیر افسوس، شکایت، پند و اندرز، تعریف و تمجید، و سپاس و ستایش در جملات و گفتمان های یکسان دارای معنی و استنباط پیامی متفاوتی هستند، از ابیات استخراج و مورد بررسی قرار گرفته اند؛ به عنوان مثال کنش گفتاری در بیت دوم «سپید سیم رده بود و دُرّ و مرجان بود / ستاره سحری بود و قطره باران بود» می تواند تعریف، افسوس و یا هر دو باشد اما هر چه تعداد بافت ها بیشتر می گردد، دقیق تر می توان به کنش گفتاری گوینده پی برد. به عنوان مثال در بیت سوم و چهارم «یکی نمازند کنون زان همه، بسود و بریخت / چه نحس بود؟ همانا که نحس کیوان بود»

«نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز / چه بود؟ مَنّت بگویم: قضای یزدان بود» به نظر کنش گفتاری گوینده گله و شکایت (از سرنوشت) می باشد؛ اما با بررسی بیت های زیرین مانند بیت های پنجم و ششم:

«جهان همیشه چو چشمیست گرد و گردانست / همیشه تا بود آئین گرد، گردان بود»

«همان که درمان باشد، بجای درد شود / و باز درد، همان کز نخست درمان بود»

مشخص‌تر می‌گردد که کنش گفتاری گوینده، پند و اندرز است. بدین ترتیب باید با در نظر گرفتن کنش‌های گفتاری نیز، پیام را بهتر استنباط کرد. بدین ترتیب از کنش گفتاری بیت سوم: «یکی نمااند کنون زان همه، بسود و بریخت / چه نحس بود؟ همانا که نحس کیوان بود» سرنوشت شوم استنباط می‌شود و از کنش‌های گفتاری بیت‌های بعد آن، اعتقاد گوینده به قضا و قدر، پذیرش آن و گردش روزگار استنباط می‌گردد.

جدول ۱: تجزیه و تحلیل قصیده دندانیه از منظر گفتمان‌شناسی^۱ و کاربردشناختی^۲

شماره بیت	گوینده سخن	مخاطب	مصالحا	موضوع	پیش‌فرض‌ها	فون بلاغی	کنش گفتاری	عبارت اشاره ای	استنباط
۱	رودکی		دندان-چراغ	دندان	او دندان داشت-دندان‌ش سالم و درخشان بود	تشبیه دندان به چراغ تابان	تعریف و افسوس	(م) در مرا ندارد	او دیگر دندانی ندارد
۲	رودکی	-	سیم-سُر-مرجان-ستاره-قطره-باران	دندان	قبلا گوینده دندان داشت	تشبیه دندان به سیم-سیم، ذر، مرجان، ستاره سحری و قطره باران	تعریف و افسوس	ندارد	علم وجود دندان‌های درخشان
۳	رودکی	-	یکی-آن-همه-کیوان(نلم-ستاره)	دندان	وجود دندان و وجود کیوان (سرنوشت شوم)	"نحس کیوان" کتایه از سرنوشت شوم	شکایت (از) ریزش دندان) و شگفتی و تعجب (از حال نحس و شومی که دامن گیر او شد)	آن-همه	علم وجود دندان-وجود سرنوشت شوم
۴	رودکی	ضمیر متصل (ت) در مَنَت	کیوان-(من) در مَنَت-(ت) در مَنَت	سرنوشت گوینده	اعتقاد به وجود یزدان-اعتقاد به قضا و قدر	ندارد	پند و اندرز	(من) در مَنَت-(ت) در مَنَت	اعتقاد به قضا و قدر یزدان
۵	رودکی	-	جهان-چشم-گرد-گردان	گردش فلک	وجود جهان	ندارد	پند و اندرز	همیشه	اعتقاد به آیین جهان
۶	رودکی	-	ندارد	بازگویی کار عالم و دگرگویی حال آن (اعلمی، ۱۳۷۳:۱۱۹)	وجود درد-وجود درمان	ندارد	پند و اندرز	همان که-همان کز	پذیرش قضا و قدر

1 discourse

2 pragmatics

ادامه جدول ۱

شماره بیت	گونه سخن	مخاطب	مصداقها	موضوع	پیش فرضها	فون بلاغی	کشش گفتاری	عبارت اشاره ای	استنباط
۷	رودکی	-	کهن نو-خلقان	تغییر حال جهان توسط یزدان	وجود شخصی (خدا) که چیزها را نو و کهنه می کند- نو و کهنه شدن چیزها	ندارد	پند و اندرز	بزمانی-همان کجا-همان که	پذیرش قضاء و قدر
۸	رودکی	-	شکسته-بیابان-باغ	توأم بودن خرمی و ناخرمی روزگار	وجود بیابان- وجود باغ خرم	ندارد	پند و اندرز	آن کجا	گردش روزگار
۹	رودکی	ماهروی مشکین موی	ماهر و مشکین-مو- بنده (به گونه لرجاع دارد)- ضمیر نهفته (تو) در عبارت "همی چه دلی"	حال و احوال پیشین شاعر	وجود ماهروی مشکین موی- وجود گونه	ندارد	افسوس	ازین پیش	تغییر احوال گونه
۱۰	رودکی	ضمیر تو	زلف-چوگان-او	چهره پیشین گونه (به خصوص زلف)	ماهروی مشکین موی زلفی چون چوگان دارد- گونه زلفی چون چوگان داشت	تشبیه زلف به چوگان	افسوس	تو-او	گونه هم اکنون زلفی چون چوگان ندارد
۱۱	رودکی	-	روی (صورت)- دبیلا (حریر الوان)- مو- قطران (نوعی روغن)	چهره پیشین گونه (به خصوص زلف و صورتش)	وجود دنیا و قطران	تشبیه روی (صورت) به دنیا و مو به قطران	افسوس	آن-او	علم وجود روی چون دنیا و موی چون قطران
۱۲	رودکی	-	مهمان-حوست	از دست رفتن جمال گونه	جمال زیبای گونه	تشبیه خوبی (جمال) به مهمان و دوست	افسوس	ندارد	از دست رفتن جمال زیبای گونه
۱۳	رودکی	-	نگار (چهره معشوق)- چشم-رو (صورت)- او- (م) در چشم	زیبارویان و رودکی	وجود زیبارویان- وجود چشم برای گونه	ندارد	تعریف و تمجید	(او) در بلو- (او) در بروی او- همیشه	از دست دادن معشوق و زیبایی چهره
۱۴	رودکی	-	او	غم و شادی گونه	وجود غم و شادی	ندارد	افسوس	آن زمانه-او	پایان یافتن شادی و خرمی گونه
۱۵	رودکی	-	درم-شهر-نار (نار)- پستان	ثروت فراوان و زیبارویان	وجود درم (پول)-وجود زیبارویان	ندارد	افسوس	ندارد	از دست رفتن مال و ثروت گونه و از دست دادن زیبارویان
۱۶	رودکی	-	دیدار-روی-من	خوشگذرانی گونه با ثروت فراوان	وجود شراب ناب-وجود زیبارویان	ندارد	افسوس	من-همیشه	از دست دادن زیبا رویان
۱۷	رودکی	-	خزانه-پر-گنج- نشان-نامه-شعر-(م) در دلم	شعر نمادی از عشق	وجود شعر	تشبیه دل به خزانه و سخن به گنج	تعریف و افسوس	(م) در دلم-ما	گونه دیگر شعر نمی گوید

ادامه جدول ۱

شماره بیت	گوینده سخن	مخاطب	مصادق‌ها	موضوع	پیش‌فرض‌ها	فنون بلاغی	کشش گفتاری	عبارت اشاره ای	استنباط
۱۸	رودکی	-	(م) در دلم و نلدانستی-میایان	غم و شادی گوینده	وجود غم و شادی	تشبیه دل به میدان	افسوس و پند و اندرز	همیشه-(م) در دلم	از دست رفتن شادی و نشاط گوینده
۱۹	رودکی	-	حریر-شعر- سنگ-سنان- آنس	نرم کردن دلها توسط شعر	وجود شاهدانی که به شعر گوش می‌سپردند	تشبیه دل‌های شاهدان به سنگ و سنان	تعریف و افسوس	آن-سپس	گوینده دیگر شعر نمی‌گوید و بنابراین نمی‌تواند دل‌های حضار را با آن نرم کند
۲۰	رودکی	-	(م) در گوشم و چشمم-چشم- گوش-مردم	حواس گوینده (تمرکز)	وجود زیبارویان-وجود مردم سنان (شعرشناس)	ندارد	تعریف و افسوس	همیشه	دیگر چشمش به گیسوان زیبای ماهرویان نمی‌افتد-دیگر شعری وجود نخواهد داشت که مردم سنان جمع گردند
۲۱	رودکی	-	عیال-زن-فرزند-م	آسایش بدون زن، فرزند و رنج	وجود آسایش	ندارد	تعریف	ازین	گوینده به دلیل از دست دادن سلامتی آسودگی خود را از دست داده است
۲۲	رودکی	ماهرو	تو-رودکی-ماهرو	گذشته پر نشاط گوینده	وجود رودکی-وجود ماهروی مشکین موی- سپری شدن زمان	ندارد	تعریف و افسوس	تو-بدان زمانه	گوینده توانایی‌ها و زیبایی‌های خود را از دست داده است
۲۳	رودکی	-	جهان-هزارستان (بلبل)	شعر سرایی و گذشته خوش گوینده	سپری شدن زمان	ندارد	تعریف و افسوس	بدان زمانه	دوران خوشی پایان یافته و شعر نیک و آوای دلکش گوینده دیگر وجود ندارد
۲۴	رودکی	-	آن-(لو) در باو- مردان-لو-پیشکار- میران	انس راد مردان و پیشکار میران	وجود پیشکار (کارگزار) برای امرا-وجود امرا- وجود رادمردان بودند	ندارد	تعریف و افسوس	آن-لو	از دست رفتن توانایی‌های گوینده- امیران جزء رادمردان برای گوینده محسوب می‌شدند
۲۵	رودکی	-	شعر-(و) در ورا- ملوک-دیوان	ماندگاری آثار (شعرا)	وجود دیوان شعر- وجود ملوک (شاهان)	ندارد	تعریف و افسوس	همیشه-ورا	دیوان شعر او اثری جاودانه و ماندگار است
۲۶	رودکی	-	شعر-شاعر- جهان-خراسان	زمانه و تغییر احوال	وجود شعر-وجود شاعر خراسانی	ندارد	تعریف و افسوس	آن-(ش) در شعرش- همه جهان-لو	زمانی که شعرش همه جا را طی می‌کرد گذشت-خراسان دیگر شاعری مانند او نخواهد داشت
۲۷	رودکی	-	دهقان-(م) در مرا- خانه-سیم-سکه ی قهره-خُملان	بهره مندی از مال و اموال مهربان	وجود نامور دهقان- وجود سیم و خُملان	ندارد	افسوس	کجا-(م) در مرا-لو	بهره مندی گوینده از مال و ثروت مهربان در گذشته
۲۸	رودکی	-	(ک) در کرا-این- آن-(و) در ورا- آل-سامان (سامانیان)	بزرگی و نعمت از آل سامان	وجود نعمت و بزرگی- وجود آل سامان	ندارد	سپاس و ستایش و افسوس	(ک) در کرا-این-آن	از دست رفتن بزرگی و نعمتی که از آل سامان به گوینده می‌رسید

ادامه جدول ۱

شماره بیت	گوینده سخن	مخاطب	مصدقها	موضوع	پیش فرض‌ها	فنون بلاغی	کنش گفتاری	عبارت اشاره ای	استنباط
۲۹	رودکی	-	میر-	بذل و بخشش میر خراسان و میر ماکان	وجود میر خراسان- وجود میر ماکان- وجود پنج هزار درهمی- وجود چهل هزار درهمی	نلارد	سپاس و ستایش و افسوس	(ش) در میر خراسانش- (و) در ذرو	از دست رفتن بزرگی و نعمتی که از آل سامان و امیر ماکان به گوینده می‌رسید
۳۰	رودکی	-		بذل و بخشش یاران امیر خراسان و میر ماکان	میر ماکان و میر خراسان اولیا (دوست و یار) داشتند- وجود هشت هزار درهمی	نلارد	سپاس و ستایش و افسوس	من-بدان- آن	حال گوینده خوش و خرم نیست زیرا دیگر چیزی از امیر سامانی و ماکانی نصیبش نمی‌گردد
۳۱	رودکی	-		بذل و بخشش امیران دربار و دوستان امیران	سخنوری نزد امیران دربار- وجود امیران و دوستانشان در دربار	نلارد	سپاس و ستایش	(ش) در اولیش	علاوه بر امیران سامانی و ماکانی، دوستان و اقوام آنها نیز برای سخن وری گوینده به او سیم و زر می‌دادند
۳۲	رودکی	ضمیر پنهان (تو) در فعل امر "بیار"		ناتوانی و بی‌توانی	وجود گوینده و مخاطبش- وجود عصا و انبان	عصا و انبان کنایه از بی‌توانی و ناتوانی است	افسوس و پند و اندرز	گوینده پیر و ناتوان شده است- او فقیر و بی‌نوا گشته است	

از آنجایی که در گفتمان‌شناسی مطالعه‌ی معنی با توجه به گوینده و شنونده و شرایط محیطی و فیزیکی آن صورت می‌گیرد (کارناپ، ۱۹۴۲: ۶۷)، لذا شرایط لازم برای مطالعه‌ی گفتمان مانند مخاطب پیام، گوینده‌ی پیام، کنش گفتاری گوینده، پیش فرض‌ها و دیگر شرایط در نظر گرفته می‌شود.

هر جمله‌ای در موقعیت‌های مختلف معنای متفاوتی می‌یابد و گوینده‌ی همین شعر هم بر حسب نوع مخاطب (ماهروی مشکین موی)، سن خود و مخاطب، جنس مذکر یا مونث، علاقه خود به مخاطب و علاقه او نسبت به خود و موقعیت اجتماعی از واژگانی بهره برده است که قابل تأمل است. به عنوان مثال در بیت بیست و ششم:

« شد آن زمانه که شعرش همه جهان بنوشت - شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود »

موضوع بیت زمانه و تغییر احوال شاعر ذکر شده است و پیش فرض‌های این بیت، وجود یک شاعر خراسانی می‌باشد؛ از آنجایی که با توجه به ابیات دیگر، کنش‌های گفتاری تعریف، تمجید و افسوس از این بیت استنتاج گردیده لذا می‌توان استنباط کرد که زمانی شعر گوینده به همه جا و

همه کس می‌رسید و به دلیل تغییر زمانه و تغییر احوال گوینده (طبق موضوع پیام این بیت)، استان خراسان شعر و شاعری مثل او، دیگر نخواهد داشت.

مثالی دیگر از بیت بیست و هشت:

«کرا بزرگی و نعمت ز این و آن بودی ورا بزرگی و نعمت ز آل سامان بود»

نشان می‌دهد که موضوع پیام بیت، بزرگی و نعمت‌های رسیده به شاعر از جانب آل سامان و پیش‌فرض‌هایش، وجود نعمت و وجود آل سامان در عصر گوینده است و از آنجایی که کنش گوینده (با توجه به این بیت و ابیات دیگر) سپاس و ستایش و افسوس می‌باشد لذا چنین دریافت می‌شود که او در عصر آل سامان می‌زیسته و هم اکنون شان و مقام خود را از دست داده و نعماتی که از جانب آل سامان می‌رسیده را دیگر دارا نیست و بدین سبب حسرت گذشته را می‌خورد.

۵. پیوستگی متنی

چنان که گفته شد برای ایجاد پیوستگی متنی، ارتباط معنایی بین واژگان، ارجاع و تکرار می‌بایستی مورد بررسی قرار گیرد. جهت مشخص شدن موضوع هر بیت و یافتن عنوان قصیده، این عناصر در جدول زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

جدول ۲: پیوستگی متنی

ردیف ابیات	ارتباط معنایی بین واژگان	ارجاع	تکرار
اول تا سوم	دندان - سبید سیم - ژر - مرجان - ستاره سحری - قطره باران - بسود و بریخت	"یکی"، "ان" در بیت ۳ ارجاع به "دندان" در بیت ۱ دارند	"ریخت" در بیت ۱ و ۳
سوم تا پنجم	نحس کیوان - روزگار دراز - قضای یزدان - جهان - گرد گردان - آئین گرد		
ششم تا هشتم	درد و درمان - نو کهن - باغ خرم و بیابان		
نهم تا سیزدهم	ماهروی مشکین موی - زلف - رویش بسان دیا - مویش بسان قطران - "خوبی" به معنای چهره - نگار - چشم	"بنده" در بیت ۹ با ضمیر متصل (م) در بیت ۱ هر دو به شخص گوینده ارجاع دارند - "تو" در بیت ۱۰ و "ماهر و" در بیت ۹ هر دو به یک شخص که شنونده پیام است ارجاع دارند - ضمیر متصل (ش) در بیت ۱۱ به همان شخصی برمی گردد که واژگان "بنده" و (م) در "ما" ارجاع دارند - ضمیر "او" در بیت ۱۳ ارجاع دارد به همان شخصی که واژگان "ماهر و" و "تو" ارجاع داشتند.	

ادامه جدول ۲

ردیف ابیات	ارتباط معنایی بین واژگان	ارجاع	تکرار
چهاردهم تا شانزدهم	شاد و خرم - ترک نارپستان - نبرد روشن و دیدار خوب -	"او" در بیت ۱۴، "من" در بیت ۱۶ ارجاع به شخص گوینده دارند	"شد آن زمانه" در بیت ۱۴ و ۲۴، ۲۶، ۱۱ - "روی" در ابیات ۱۶، ۱۳ و ۱۱ -
هفدهم تا نوزدهم	گنج سخن و شعر - دلم خزانه و دلم.. فراخ میدان -	"م" در بیت ۱۷ و ۱۸ و "ما" در بیت ۱۷، همگی ارجاع به شخص گوینده دارند	"شعر" در ابیات ۲۶، ۲۵، ۱۷ و ۱۹ - "دل" در ابیات ۱۷ و ۱۹ - "شاد" و "شاط" و "غم" در ابیات ۱۴ و ۱۸
بیستم	چشم - گوش	"م" در چشم و گوشم برمی گردند به همان شخصی که ضمائر "او" در بیت ۱۴ و "ما" در بیت ۱۷ اشاره داشتند	"همیشه" در ابیات ۱۳، ۱۸، ۱۶ و ۲۰ - "چشم" در ابیات ۱۳ و ۲۰
بیست و یکم	(عیال - زن - فرزند) و (ستم - آسوده - آسان - معونت)		
بیست و دوم	رودکی - ماهرو	"تو" و "ماهرو" در این بیت ارجاع دارند به همان شخصی که ابیات ۹، ۱۰ ارجاع دارند یعنی شنونده پیام	"تو" در ابیات ۱۰ و ۲۲ - "ان زمانه" در ۱۱ و ۲۲ و ۲۳
بیست و سوم تا بیست و ششم	سرودگویان - هزارستان - مراد مردان - پیشکار میران - ملوک دیوان - شعر - شاعر خراسان	ضمیر متصل (ی) در "ندیدی" بر می گردد به ماهرو در ابیات بالا - "او" در بیت ۲۴ ضمائر متصل (و) در "ورا" در بیت ۲۵ و (ش) در ۲۶ ارجاع به گوینده دارند	
بیست و هفتم تا سی و یکم	سیم - خملان - نعمت - آل سامان - میر خراسان - چل هزار درم - میر ماکان - هشت هزار - دادِ مردی (عدالت یک جوانمرد)	(م) در مرا در بیت ۲۷ با ضمائر متصل یا منفصل (یا کلمات پایین به یک مصداق که همان گوینده است ارجاع دارند: (من) در مَنّت در بیت ۴، (بنده) در بیت ۹، (م) در چشمم در بیت ۱۳، (من) در بیت ۱۶، (ما) در بیت ۱۷، (م) در بیت ۱۸ و ۲۰، (رودکی) در بیت ۲۲، (او) در بیت ۲۴، (ورا) در بیت ۲۵، (ش) و (شاعر خراسان) در بیت ۲۶، (ش) در بیت ۲۹، (من) در بیت ۳۰ و ۳۲	"کجا" در ابیات ۷۸ و ۲۷ - "سیم" در ۲ و ۲۷ - "سامان" در ۹ و ۲۸ - "میر" در ۲۹، ۲۶ و ۳۱ - "خراسان" در ۲۶ و ۲۹ - "اولیاش" در ۳۰ و ۳۱ - "حال" در ۹ و ۳۰ - "زمانه" در ۱۱، ۱۴، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶ و ۳۲
سی و دو	زمانه - عصا - انبان	(من) که ارجاع به گوینده دارد	

طبق جدول ۲ موارد زیر شایان توجه است:

۲.۵. پیوستگی متنی توسط ارتباط معنایی واژگان

(الف) واژگان مرتبطی مانند: دندان- سپید سیم- ڈر- مرجان- ستاره سحری- قطره باران- بسود و بریخت (ابیات ۱ تا ۳)، با عناوین "حسرت جوانی" و "پیری" ارتباط نزدیک‌تری دارند تا نسبت به دو عنوان "کنون زمانه دگر گشت" و "دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود".

(ب) واژگان مرتبطی مانند نحس کیوان- روزگار دراز- قضای یزدان- جهان- گرد گردان- آیین گرد (ابیات ۳ تا ۵) و واژگانی مانند: درد و درمان- نو و کهن- باغ خرم و بیابان (ابیات ۶ تا ۸) با عنوان "کنون زمانه دگر گشت" ارتباط مستقیم‌تری دارند.

(ج) واژگان مرتبط طبق جداول بالا با عنوان "پیری" رابطه کمتری دارند و با عناوین "دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود"، "کنون زمانه دگر گشت" و "حسرت جوانی" نسبت بهتری می‌سازند.

(د) واژگان مرتبط در بیت سی و دو: زمانه- عصا- انبان، با عنوان "پیری" ارتباط بیشتر و با عناوین دیگر ارتباط کمتری دارند.

(ه) از آنجا که در اکثر ابیات، بیشتر واژگان به کار رفته راجع به از دست دادن مال و ثروت و از دست دادن زیبارویان است و به عنوان مثال در بیت سی و دو از پیری به همراه واژگان "زمانه دگر گشت" و "من دگر گشتم" استفاده شده است لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که عناوین "دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود"، "کنون زمانه دگر گشت" و "حسرت جوانی" می‌توانند عناوین مرتبط با موضوعات متن باشند.

۳.۵. پیوستگی متنی توسط ارجاعات

با توجه به واژگانی که در این قصیده به کار رفته و به مصداق‌های خود که به صورت درون‌متنی^۱ یا برون‌متنی^۲ ارجاع یافته‌اند، می‌توان نتایج زیر را استنباط کرد:

تنها کلمات "یکی"، "آن" (بیت ۳) به موضوع دندان ارجاع دارند و بیشتر ارجاعات دیگر مانند: "من" در منت (بیت ۴)، "بنده" (بیت ۹)، ضمیر متصل (ش) در بیت ۱۱، "م" در چشمم (بیت ۱۳)،

1 endophoric
2 exophoric

"او" (بیت ۱۴)، "من" (بیت ۱۶)، "م" (ابیات ۱۷ و ۱۸)، "ما" (بیت ۱۷)، "رودکی" (بیت ۲۲)، "او" (بیت ۲۴)، "ورا" (بیت ۲۵)، "ش" ، "او" و "شاعر خراسان" (بیت ۲۶)، "ش" (بیت ۲۹) و "من" (ابیات ۳۰ و ۳۲) به گوینده سخن ارجاع دارند و تعداد اندکی از آنها مانند: "ماهرو" در بیت ۹، "تو" در بیت ۱۰، "تو" در بیت ۲۲، به مخاطب پیام (ماهرو) اشاره داشته‌اند. بنابراین شایسته است عنوانی را برای این متن برگزینیم که در برگیرنده اکثر این ارجاعات باشد که از این منظر بیشتر عناوین، مرتبط به گوینده بوده و می‌توانند برای این گفتمان شعری به کار روند.

۵. ۴. پیوستگی متنی توسط تکرار واژگان

از آنجا که تکرار یکی از نشانه‌های پیوستگی متن می‌باشد و با توجه به این که کلمه "زمانه"، بیشترین تکرار را در این قصیده به خود اختصاص داده است بنابراین از این دیدگاه عنوان "کنون زمانه دگر گشت" نسبت به عناوین دیگر مناسب‌تر است.

۶. همبستگی موضوعات

گرچه برای درک جملات، فهم معنای واژگان و ساخت نحوی آنها ضروری است ولی همیشه این ابزار برای درک و تفسیر گفتمان‌ها نمی‌توانند کافی و وافی باشند؛ چراکه گاهی معنای واژگان و ساختار نحوی جملات را می‌فهمیم ولی در موقعیت‌های متفاوت مکانی، زمانی و عوامل متفاوت تاثیرگذار، تفسیرهای متفاوتی دارند. از اینرو باید معلومات دیگری از جمله رویدادهای گفتاری^۱، اصل همکاری^۲، معنای ضمنی^۳، دانش جهانی^۴، طرح‌واره‌ها^۵ و اطلاعات جدید^۶ و اطلاعات داده‌شده^۷ نیز در درک پیام لحاظ گردند. گفتگو درباره‌ی پیوستگی و همبستگی متن در زبان فارسی ذیل عنوان محور افقی و محور عمودی کلام جای می‌گیرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۶۹).

-
- 1 speech events
 - 2 cooperative principle
 - 3 implicatures
 - 4 world knowledge
 - 5 schemas & scripts
 - 6 theme
 - 7 rheme

با توجه به این که موضوعات به کاررفته‌ی هر گفتمان با عنوان آن مرتبط می‌باشند، بدین سبب در جدول شماره ۳ موضوعات ابیات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. بسامد بالای یک موضوع با توجه به ساختار قصیده که گوینده قصد خود را در جای خاصی از شعر بیان می‌دارد می‌تواند در برگزیدن عنوان صحیح‌تر برای این قصیده کمک شایانی نماید.

جدول ۳: همبستگی متنی بین ابیات با توجه به موضوع بحث

شماره ابیات	موضوع ابیات
۱-۳	دندان گوینده
۲-۸-۲۶	گردش روزگار و تغییر حال جهان
۹-۱۲	حال و احوال پیشین گوینده
۱۳	زیبارویان
۱۴-۱۸	توام بودن غم و شادی
۱۵-۱۶-۲۱	خوشگذرانی
۱۷-۱۹-۲۳	شعر
۲۰	گوش و چشم گوینده (تمرکز)
۲۲	گذشته پرنشاط
۲۴	شاعر و پیشکار امیران
۲۵	ماندگاری شعر
۳۰-۳۱-۳۷-۲۸-۲۹	بهره مندی از مال و اموال مهتران و امیران
۳۲	ناتوانی و بینوایی

با توجه به موضوعات ابیات جدول بالا، دندان گوینده (ابیات ۳، ۱)؛ گردش روزگار و تغییر حال جهان (ابیات ۲، ۸، ۲۶)؛ حال و احوال پیشین گوینده (ابیات ۹، ۱۲)؛ زیبارویان (بیت ۱۳)؛ توام بودن غم و شادی (ابیات ۱۴، ۱۸)؛ خوشگذرانی (ابیات ۱۵، ۱۶، ۲۱)؛ شعر (ابیات ۱۷، ۱۹، ۲۳)؛ گوش و چشم گوینده به معنای تمرکز گوینده (بیت ۲۰)؛ گذشته پرنشاط (بیت ۲۲)؛ شاعر و پیشکار امیران (بیت ۲۴)؛ ماندگاری شعر (بیت ۲۵)؛ بهره مندی از مال و اموال مهتران و امیران (ابیات ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱)؛ ناتوانی و بینوایی (بیت ۳۲)، می‌توان چنین نتیجه گرفت که عنوان "پیری" برای این متن مناسب نیست و در عوض عناوین دیگر "کنون زمانه دگر گشت" "حسرت جوانی"

و دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود" عناوین فراگیرتری نسبت به موضوعات به کار رفته در این گفتمان شعری می‌باشند.

با توجه به این که در انتخاب یک عنوان برای گفتمان‌ها، کنش گفتاری تا حدودی نقش ایفا می‌کند و با علم به اینکه جملات یکسان با کنش‌های گفتاری متفاوت، معنای متفاوتی می‌یابند لذا کنش‌ها نیز برای تجزیه و تحلیل در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۴: همبستگی متنی بین ابیات با توجه به کنش گفتاری

کنش گفتاری	ردیف ابیات
تعریف از خود و افسوس	۱-۲-۱۳
شکایت و تعجب	۳
پند و اندرز	۴-۵-۶-۷-۸
افسوس	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵-۱۶-۱۸-۲۷-۳۲
پند و اندرز به همراه افسوس	۱۸-۳۲
سپاس و ستایش دیگران و افسوس	۲۸-۲۹-۳۰-۳۱

با بررسی ابیات نگارنده دریافت که بیشترین کنش گفتاری مربوط به افسوس و حسرت خوردن است، که از این منظر عنوان "حسرت جوانی" عنوان مناسبی برای این گفتمان می‌باشد.^۱ به دلیل وجود دانش زبانی و جهانی متفاوت میان گویندگان و شنوندگان، پاره گفتارهای زبانی آنها متفاوت تفسیر می‌گردند. لذا این مبحث نیز در تجزیه و تحلیل گفتمانی قابل تامل بوده و در جدول زیر از اشعار استخراج و طبقه بندی گشته اند به گونه ای که بسیاری از ابیات دارای استنباط کم و بیش یکسانی می‌باشند.

۱ از آنجا که شاعر تغییر سرنوشت و از دست رفتن مال و اموال، زیارویان، و فرا رسیدن فقر و بینوایی خود را از جانب قضای یزدان و به دلیل تغییر زمانه می‌داند بنابراین عنوان "کنون زمانه دگر گشت" برای این متن مناسب تر است.

جدول ۵: همبستگی متنی بین ابیات با توجه به استنباط استخراج شده از پیش فرض‌ها
و موضوعات پاره گفتار

استنباط	ردیف ابیات
گوینده دیگر دندانی ندارد	۱-۲-۳
گردش روزگار و اعتقاد به قضاء و قدر	۴-۵-۶-۷-۸
تغییر احوال به دلیل از دست رفتن جمال زیبایی گوینده	۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۲۲
پایان یافتن شادی و خرمی	۱۴-۱۸-۲۲
گوینده دیگر نمی‌تواند شعر بگوید	۱۷-۱۹-۲۰-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶
نداشتن همسر و بچه و ناتوانی	۲۱
از دست دادن زیبارویان به خاطر از دست دادن جمال	۱۶
از دست دادن زیبارویان به خاطر از دست دادن مال و ثروت	۱۵
بهره‌مندی گوینده از مال و ثروت مهتران و امیران در گذشته	۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱
گردش روزگار و فقر و بینوایی	۳۲

به گمان نگارنده، با توجه به استنباط شنونده از پیش فرض‌ها و موضوعات پاره گفتار، عنوان "پیری" برای این متن چندان مناسب نیست چراکه از بین استنباط‌های (گوینده دیگر دندانی ندارد- گردش روزگار و اعتقاد به قضاء و قدر- تغییر احوال به دلیل از دست رفتن جمال زیبایی گوینده- پایان یافتن شادی و خرمی- گوینده دیگر نمی‌تواند شعر بگوید- نداشتن همسر و بچه و ناتوانی- از دست دادن زیبارویان به خاطر از دست دادن جمال و از دست دادن مال و ثروت- بهره‌مندی گوینده از مال و ثروت مهتران و امیران در گذشته- گردش روزگار و آمدن فقر و بینوایی)، چنین برمی‌آید که عناوین "دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود"، "کنون زمانه دگر گشت" و "حسرت جوانی" هماهنگی معنایی بیشتری با این استنباط‌ها دارند.

با توجه به این که معنای قصیده و اجزای آن، تنه یا بدنه متن به عنوان یکی از اجزای اصلی هر قصیده در نظر گرفته می‌شود و نمی‌توان آن را در انتخاب عنوان برای متن نادیده گرفت؛ لذا نگارنده در ادامه این موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

جدول ۶: همبستگی و پیوستگی مطالب از منظر اجزای قصیده

شماره ابیات	اجزاء قصیده
بیت ۱	مطلع
هیچکدام (تشبیب وجود ندارد)	تشبیب
هیچکدام (تخلص یا گریز وجود ندارد)	تخلص یا گریز
ابیات ۲ تا آخر	تنه یا بدنه اصلی

همانطور که در جدول آمده بیت اول قصیده مطلع آن است که به موضوع دندان اختصاص دارد و از بیت دوم تا بیت آخر جزء تنه یا بدنه اصلی گفتمان شاعر است که با عناوین "حسرت جوانی"، "کنون زمانه دگر گشت" و "دلم نشاط و طرب را فراخ میدان بود" ارتباط بیشتری دارد. از آنجا که عنوان "حسرت جوانی" تنها بر حسب یکی از مباحث تجزیه و تحلیل گفتمان یعنی کنش گفتاری حسرت است لذا نمی تواند عنوان مناسبی برای این گفتمان باشد و از آنجا که تکرار واژگان یکی از عوامل تاثیرگذار است و نیز واژه "زمانه" بیشترین تکرار را به خود اختصاص داده و در بخش موضوعات و استنباطها به واژگان مرتبط با تغییر زمانه بیش از دیگر عناوین اشاره شده است لذا عنوان "کنون زمانه دگر گشت" را با توجه به تمامی مباحث بالا می توان بهترین عنوان این گفتمان محسوب کرد.

۷. نتیجه گیری

آن چنان که در متن مقاله بیان گردید، وظیفه ی علم معنا شناسی تفسیر جملات بوده و بافت محیطی در این امر نقشی ندارد. بدین جهت مقاله ی حاضر از جنبه ی علم کاربرد شناسی به فضای نگرینست و پاره گفتارها را در یکی از قصیده های رودکی که در کتاب های مختلف عناوین مختلفی را به خود اختصاص داده بررسی نمود و سپس با توجه به اصول گفتمان شناسی که رابطه ی تنگاتنگی با علم کاربرد شناسی دارد و در بر گیرنده گوینده، مخاطب، موضوع، پیام، پیش فرضها، کنش گفتاری و مصداق های اثر می باشد به دنبال یافتن مناسب ترین عنوان برای این قصیده بر آمد. از آنجا که عنوان "حسرت جوانی" تنها بر حسب یکی از مباحث تجزیه و تحلیل گفتمان یعنی کنش گفتاری حسرت است لذا نمی تواند عنوان

مناسبی برای این گفتمان باشد و از آنجا که تکرار واژگان یکی از عوامل تاثیرگذار است و نیز واژه "زمانه" بیشترین تکرار را به خود اختصاص داده و در بخش موضوعات و استنباط‌ها به واژگان مرتبط با تغییر زمانه بیش از دیگر عناوین اشاره شده است لذا عنوان "کنون زمانه دگر گشت" را با توجه به تمامی مباحث بالا می‌توان بهترین عنوان این گفتمان محسوب کرد

کتابنامه

- البرزی، پ. (۱۳۸۶). مبانی زبان‌شناسی متن. تهران: امیرکبیر، چاپ اول.
- امامی، ن. (۱۳۷۳). رودکی استاد شاعران (شرح حال، گزیده اشعار با توضیح و گزارش). بی‌جا: نیمروز. چاپ اول.
- انوری، ح. (۱۳۷۳). گزیده اشعار رودکی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار. بی‌جا: نشر علم. چاپ اول.
- پالمر، ف. (۱۳۸۵). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. مترجم: کوروش صفوی. تهران: نشر مرکز. چاپ چهارم.
- حاکمی، ا. (۱۳۷۷). رودکی و منوچهری. بی‌جا: دانشگاه پیام نور. چاپ اول.
- رستگار فسایی، م. (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی. شیراز: نوید. چاپ اول.
- شعیری، ح. (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه و معنا شناختی گفتمان. تهران: سمت.
- شعیری، ح. (۱۳۸۱). مبانی معناشناسی نوین. تهران: سمت.
- شفیعی کدکنی، م. (۱۳۵۸). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- صفوی، ک. (۱۳۸۴). نگاهی به ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی. تهران: انجمن شاعران ایران. چاپ اول.
- صفوی، ک. (۱۳۸۵). آشنایی با معنی‌شناسی. تهران: پژوهش‌های کیوان. چاپ اول.
- فضیلت، م. (۱۳۸۵). معناشناسی و معانی در زبان ادبیات. بی‌جا: طاق بستان. چاپ اول.
- مقدادی، ب. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر. تهران: فکر روز.
- نفیسی، س. (۱۳۰۹). دیوان رودکی. تهران: بی‌نا.
- Carnap, R. (1942). Introduction to semantics. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Gillian, B. & George, Y. (1989). Discourse analysis. Cambridge: Cambridge University Press.
- Grice, H. P. (1975). Logical and conversation. In P. Cole & J. Morgan (ed.), Syntax and Semantics, 3: Speech Acts, 41–58, New York: Academic Press.
- Grice, H. P. (1981). Presupposition and conversational implicature. In Radical Pragmatics, P. Cole (ed.), 183–98, New York: Academic Press.

- Hymes, D. (1964) *Language in Culture and Society: A Reader in Linguistics and Anthropology*. New York: Harper & Row.
- Hymes, D.H. (1972). *Toward ethnographies of communication*. In P.P. Giglioli (Ed.), *Language and social context*, 21-44. Harmondsworth: Penguin.
- Lewis, D. (1972). *General Semantics*, In *Synthese*, 22: 18-67 (Ed.) Dordrecht: Reidel.
- Woods, N. (2006). *Describing discourse*, Oxford: Oxford University Press.